

ورم می‌گوید:

اجتماعی



باشد که بتواند دستمزد را افزایش دهد.» این استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران می‌گوید: «ما شاهد ریزش نیرو در واحدهای تولیدی بودیم. بسیاری از واحدهای تولیدی به خاطر اینکه نمی‌توانستند افزایش حقوق بدهند، واحدهای خود را تعطیل کرده یا تعدیل نیرو انجام دادند.»

نقش کسری بودجه

به گفته محمودی وقتی ریشه‌ای به مسئله نگاه می‌شود، مهم‌ترین دلیل بروز این شرایط، کسری بودجه است. برآوردهای بودجه سال ۱۴۰۲ نشان می‌دهد ۴۷۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه وجود دارد. این رقم اگر واقعی‌تر شود، تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان در سال آینده کسری بودجه وجود دارد. عملاً نیمی از بودجه عمومی دچار کسری است. دولت باید حقوق کارمند و هزینه اداره خود را بپردازد؛ پس



بزرگ کردن کیک اقتصاد ملی، نرخ پشتیبانی صندوقهای بازنشستگی را افزایش می‌دهد در صورت عدم تحقق این هدف، وابستگی صندوقها به دولت افزایش می‌یابد.

این کسری را جبران می‌کند. به این ترتیب یک تورم مضاعف دیگر برای سال آتی ایجاد خواهد شد.

او می‌گوید: «این تورم در همه زمینه‌ها اثر خود را می‌گذارد. نرخ ارز باید متناسب با مابه‌التفاوت تورم داخل تعدیل شود. به همین خاطر، همه جا اثر منفی خود را در اقتصاد می‌گذارد و بالطبع طرف بنگاه تولیدی را متاثر کرده و شرایط آنها را بدتر می‌کند.» این استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران اضافه می‌کند: «در حالی که وقتی به اجزای بودجه یعنی

کسری بودجه باید به وسیله تأمین نقدینگی توسط بانک‌ها و چاپ پول یا روش‌های دیگری که اعمال می‌شود، جبران شود. حاصل چنین سیاست‌هایی، تورم مجدد است. این سیاست‌ها قابل قبول نیست. برای حل مشکل باید ساختار کلان اقتصاد را اصلاح کرد تا سطح تورم پایین آمده و به زیر پنج درصد برسد. به این ترتیب می‌توان رشد اقتصادی ایجاد کرد و از مواهب این رشد و پایین بودن سطح قیمت‌ها، کل جامعه برخوردار شوند. یک گروه کوچکی هم هستند که به دلایل مختلف امکان ایجاد درآمد ندارند و باید آنها را تحت حمایت قرار داد؛ در غیر این صورت، اعمال چنین سیاست‌هایی پاسخگو نخواهد بود.

نظر شما درباره توزیع سهام عدالت چیست؟ در حال حاضر بخشی از اقشار جامعه تحت پوشش سهام عدالت قرار گرفته‌اند. قرار است جامانده‌ها هم تحت پوشش قرار گیرند. این سیاست چه تأثیری بر دهک‌های نیازمند حمایت داشته است. آیا چنین سیاستی به تورم دامن می‌زند؟

بله دامن می‌زند. هر پرداختی که از محل سود سهام نباشد، تورم‌زاست. اکثر شرکت‌هایی که سود در قالب سهام عدالت توزیع می‌کنند، زیانده هستند. وقتی سودی نیست، شما پولی توزیع می‌کنید که از محل سود نیست و این رفتار اثری مشابه توزیع یارانه نقدی دارد.

بنابراین شما با یارانه محور کردن کمک‌ها به اقشار کم‌درآمد مخالفید؟

به منابع و مصارف آن نگاه کنیم، قید خیلی از این منابع را می‌توان زد و ناترازی شدید در بودجه را اصلاح کرده و یک بودجه تراز بست. اما دولت حاضر نیست در منابع و مصارف تغییری ایجاد کند و هیچ‌گونه هزینه‌ای را متحمل شود. بنابراین به دنبال یک بازنگری اساسی در بودجه نیست. او یادآور می‌شود: «در حال حاضر سالیانه یک بودجه سنتی غیرکارآمد به مجلس می‌دهیم. این رویه خاص این دولت هم نیست. دولت‌های قبلی هم چنین وضعیتی داشته‌اند.»

تأثیر بر تأمین اجتماعی

محمودی درباره اثر سیاست‌های تعیین حقوق و دستمزد بر تأمین اجتماعی بیان می‌کند: «وقتی تعدیل در بنگاه‌ها انجام می‌شود، نرخ پشتیبانی صندوق‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد.» او اضافه می‌کند: «تنها صندوقی که فعلاً سرپا است، تأمین اجتماعی است با آنکه نرخ پشتیبانی این صندوق به حدود چهار نزول یافته است. سایر صندوق‌های بازنشستگی تعطیل و در بودجه سال ۱۴۰۲ برای این صندوق‌ها ۲۴۰ هزار میلیارد تومان بودجه گذاشته شده است. اینها عده‌های درشتی هستند و نتیجه ضعف در نظام تدبیر است. وقتی نظام تدبیر نتوانسته به هدف بزرگ کردن کیک اقتصاد ملی دست یابد، نرخ پشتیبانی صندوق‌ها کاهش پیدا خواهد کرد. این نرخ که کاهش یابد، تعهدات بودجه‌ای به طور اجتناب‌ناپذیر افزایش یافته و در نتیجه کسری بودجه صندوق‌ها افزایش خواهد یافت.»

این استاد دانشکده مدیریت دانشگاه تهران ادامه می‌دهد: «در حالی که اگر اقدام عکس صورت می‌گرفت و ما زمینه افزایش اشتغال را به صورت اصولی فراهم می‌کردیم، به تبع آن، اقتصاد خانوار نیز از آن بهره‌مند می‌شد، نرخ پشتیبانی صندوق‌ها اصلاح و نظام تأمین اجتماعی و بیمه‌ای استقلال خود به لحاظ بودجه‌ای را می‌یافت و نیازش به دولت کاهش پیدا می‌کرد.»

لیلا مرگن

روزنامه‌نگار

گزارش
هر سال در فصل تصویب بودجه، بحث بر سر حقوق کارمندان بالا می‌گیرد. کارکنان دولت که نیم‌نگاهی به جلسات شورای عالی کار برای تعیین حقوق کارگران دارند، همواره گله‌مند هستند که افزایش حقوق آنها به اندازه کارگران نیست. از سوی دیگر، کارگران هم مصوبات شورای عالی کار را پاسخگوی رفع نیازهای زندگی خود در شرایط تورمی امروز نمی‌دانند. در چنین شرایطی، به نظر می‌رسد روز به روز بر شکاف بین تورم و دستمزد نیروهای کار افزوده می‌شود و بدون شک این رویه تبعاتی برای اقتصاد کلان کشور خواهد داشت. اما به راستی رشد این شکاف چه تأثیری در جامعه باقی می‌گذارد؟

این روزها ز یاد می‌شنویم که دسترنج یک ماه کارگران یا کارمندان کفاف نیازهای عادی زندگی‌شان را نمی‌دهد. بسیاری بر این باورند با حقوقی که دریافت می‌کنند فقط تا پانزدهمین روز ماه دوام می‌آورند و برای تأمین نیازهای نیمه دوم ماه، باید چاره دیگری ببندیشند و شغل دیگری بیابند. این در حالی است که پیش از این، فقط چند روز آخر ماه را بدون وجود هیچ اندوخته‌ای سر می‌کردند. هر چه بر تعداد روزهایی که کارگران و کارمندان جیب‌شان خالی می‌ماند، افزوده شود، یعنی شکاف بین حقوق و تورم بیشتر شده است. این مسئله علاوه بر اینکه بر زندگی روزمره افراد تأثیر می‌گذارد بدون شک، بی‌تأثیر در اقتصاد کلان کشور هم نیست. حسن حیدری، استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با آتی‌نو درباره تبعات عدم تناسب حقوق و دستمزد با تورم و اثر آن روی اقتصاد کلان می‌گوید: «نتیجه افزایش این شکاف توسعه فقر است. با افزایش این شکاف تقاضای برای کالاها - به خصوص کالاهای بادوام - کمتر می‌شود. در نتیجه متناسب با این کاهش تقاضا، اندازه بازار کوچک خواهد شد.» او شکاف بین دستمزد و تورم را اقدامی ضد توسعه می‌داند که در نهایت اثر خود را در شاخص‌های دیگر اقتصادی نشان خواهد داد.

به گفته حیدری از آنجایی که در کشور بخش خصوصی به معنای واقعی نداریم و این بخش گسترده‌تری کافی ندارد، تناسب بین افزایش حقوق‌ها برای طبقات مختلف هم وجود ندارد. عموماً دولت تعیین‌کننده حقوق و دستمزد است. مشکل بزرگی که در ایران وجود دارد این است که بخش بزرگی از کارگران و کارمندان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با تعیین حقوق و دستمزد یک مقدار مرتبط با اقتصاد سیاسی می‌شود و جنبه‌های صرفاً اقتصادی خود را از دست می‌دهد. او ادامه می‌دهد: «وقتی شکاف بین حقوق و دستمزد افزایش یابد، در نهایت این مسئله تبعات خود را به شکل بهره‌وری و رشد اقتصادی پایین‌تر نشان می‌دهد. فقر و نابرابری گسترش می‌یابد و بحث‌های اجتماعی دیگر رخ می‌دهد.»

چاره کار

استادیار دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس

درباره شیوه مدیریت این شکاف می‌گوید: «در بسیاری از کشورها، یک حداقل دستمزدی تعیین می‌شود و این کشورها نظام تأمین اجتماعی دارند که اگر حقوق کسی پایین‌تر از حداقل تعیین شده آمد و سطح زندگی‌اش دچار مشکل شد، بتوانند از او حمایت کرده و این شکاف را جبران کنند.» او اضافه می‌کند: «دولت در تعیین دستمزد مستقیم یا غیرمستقیم به این شکل که در ایران رایج است، دخالت نمی‌کند و همه چیز را به بخش خصوصی واگذار می‌کند. به طور کلی تعیین دستمزد به شیوه‌های رایج در ایران منسوخ شده و این شیوه‌ها بیشتر در کشورهایی استفاده می‌شود که اقتصاد بر نام‌ریزی و سوسیالیستی داشته‌اند. استفاده از این فرمول‌ها به ضرر ما تمام شده است.»

او ادامه می‌دهد: «به جز اثراتی که به آن اشاره کردم، ما یک روند کلی فقر داریم. این روند به دلیل نبود رشد اقتصادی و کاهش مداوم درآمد سرانه است و نمی‌توانیم آن را کنترل کنیم. ما رشد اقتصادی نداریم، بهره‌وری در کشور کاهش یافته و این مسئله روی دریافتی‌ها اثر گذاشته و باعث کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌های اقتصادی شده است.»

حیدری یادآور می‌شود: «دستمزد سدهم بالایی در هزینه‌های



وقتی شکاف بین حقوق و دستمزد دافزایش یابد، در نهایت این مسئله تبعات خود را به شکل بهره‌وری و رشد اقتصادی پایین‌تر نشان می‌دهد. فقر و نابرابری گسترش می‌یابد و بحث‌های اجتماعی دیگر رخ می‌دهد

تولید ندارد؛ به‌خصوص در دوره‌هایی که ماشوک‌های تورمی داریم، سهم دستمزد بالا نیست. اما دولت نباید در هیچ شرایطی در تعیین دستمزد دخالت کند. قوه مجریه باید اجازه دهد شکل‌های کارگری با خود کارفرمایان به یک توافق بررسند، چانه‌زنی کرده و بر اساس بهره‌وری، نرخ دستمزد را تعیین کنند.» او اضافه می‌کند: «دولت برای حمایت از کارگران باید حداقل دستمزد را تعیین کند یا نظام تأمین اجتماعی واقعی را راه‌ببندازد. این رفتار درست، برای کاهش اثرات شکاف بین دستمزد و تورم است.»

کاهش قدرت خرید

مرتضی عزتی، رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران نیز در گفت‌وگو با آتی‌نو پایین بودن میزان افزایش دستمزد‌ها نسبت به نرخ تورم را عامل مهمی در کاهش قدرت خرید حقوق‌بگیران می‌داند. او می‌گوید: «این مسئله توان اقتصادی حقوق‌بگیران را کاهش می‌دهد. البته این به آن معنا نیست که غیر حقوق و دستمزد دیگرها وضع‌شان بهتر می‌شود. شکاف بین دستمزد و تورم به طور معمول وضع همه را بدتر می‌کند. شاید یک مقداری آسیب وارده به غیر حقوق‌بگیرها کمتر باشد.» به گفته عزتی، در شرایطی که در حقوق‌بگیرها درآمد کمتری داشته باشند، توان هزینه کردن آنها کاهش می‌یابد و مراعات‌شان به دیگران و سایر مشاغل آزاد، افت خواهد کرد. به این ترتیب سایر مشاغل هم درآمدشان کمتر می‌شود؛ اما چون دست غیر حقوق‌بگیرها

کمی بازتر است، به مرور زمان شرایط تقریباً نسبت به تورم تعدیل می‌شود. او شکاف بین دستمزد و نرخ تورم را عامل بروز ر کودر اقتصاد معرفی می‌کند: زیرا کاهش قدرت خرید به مفهوم ایجاد ر کودر اقتصاد است. ر کودر اقتصادی هم‌همه اقشار جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گفته رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران، شکاف بین دستمزد و تورم، فقر را در جامعه گسترش می‌دهد و شاخص‌های فقر را به سمت نامطلوب شدن هدایت خواهد کرد؛ به این ترتیب وضعیت جامعه را ناایمان‌تر نشان می‌دهد.

افزایش هزینه تأمین اجتماعی

عزتی، افزایش شکاف دستمزد و نرخ تورم را عاملی اثر گذار بر سازمان‌های بازنشستگی مختلف، به‌ویژه تأمین اجتماعی می‌داند؛ زیرا شرایط این صندوق‌ها با نسبت درآمد افراد گره خورده است. وقتی تورم زیاد می‌شود در بلندمدت هزینه‌های این صندوق‌ها نیز افزایش می‌یابد. او اضافه می‌کند: «اگر بگوییم وقتی حقوق و دستمزد دافزه نمی‌شود، ممکن است حقوق بازنشستگی مستمری و سایر پرداختی‌ها هم اضافه نشود. بنابراین این تصور که هزینه‌های افزایش نمی‌یابد، تصور درستی نیست؛ زیرا از آن طرف هزینه‌های دیگر مانند هزینه نگهداری، ابونمان آب و برق، هزینه تجهیزات و خدماتی که از بیرون دریافت می‌شود و هزینه‌های خریداری شده از بخش خصوصی و آزاد، به تناسب تورم اضافه خواهد شد و به دلیل افزایش این هزینه‌ها، یک شکاف منفی بیشتر بین منابع و مصارف این صندوق‌ها ایجاد می‌شود.» رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران اضافه می‌کند: «افزایش شکاف منابع و مصارف صندوق‌ها یک مشکل اساسی دیگر هم ایجاد می‌کند. وقتی سازمان‌های بیمه‌ای، به‌ویژه سازمان‌هایی که در بخش بازنشستگی کار می‌کنند، از نظر منابع و مصارف نامتعادل می‌شوند، نمی‌توانند خدمات شایسته‌ای به شرکای اجتماعی و افراد تحت پوشش خود عرضه کنند.» او ادامه می‌دهد: «در چنین شرایطی ممکن است هزینه‌های کمتری برای خدمات پرداخت کنند و این رفتار، فشار دیگری برای جامعه ایجاد خواهد کرد؛ از آنجا که همه مردم به اشکال مختلف از خدمات بیمه‌ای سازمان‌های مختلف استفاده می‌کنند، با کاهش این خدمات وضعیت تأمین سلامت مردم هم به خطر می‌افتد.»

اثر مشکلات فرهنگی

عزتی می‌گوید: «هنگامی که مسائل اقتصادی جامعه به این میزان حاد و مشکلات عدیده در آن ایجاد شد، ممکن است به تبع آن مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... اتفاق افتد. این مشکلات هم روی اقتصاد اثر واسطه‌ای دارند. وقتی مشکلات سیاسی و فرهنگی ایجاد می‌شود، همه شاخص‌های اقتصادی مثل رکود، فقر و غیره تحت تأثیر قرار می‌گیرند.» او درباره راهکارهای کاهش شکاف بین حقوق و دستمزد می‌گوید: «راه اصلی این است که رشد اقتصادی بهبود یابد. هم‌اکنون با همین وضعیت خراب اقتصاد، اگر سالانه هفت تا هشت درصد رشد اقتصادی پیدا کنیم، پنج سال بعد همه مردم وضعیت امروز را فراموش می‌کنند.»

رییس انجمن اقتصاد اسلامی ایران تأکید می‌کند: «مشکل اصلی اقتصاد کشور ما، رشد اقتصادی پایین است. این رشد پایین با اصلاح سیاست‌های غلط، قابل اصلاح است.»



ببفتند. وقتی این شرایط را ندارد، چگونه می‌توانید انتظار داشته باشید که کشورها با شما کار کنند. مواردی که گفته شد، اولویت اول حل این مسئله است. بعد از آن باید سراغ کاهش تورم رفت. به نظر من بعد از حل مسئله اول، کنترل تورم خودبه‌خود اتفاق می‌افتد اما ممکن است کمی زمانبر باشد.

این کشور تمام درآمدهای نفتی خود را سرمایه‌گذاری می‌کند و از محل درآمد سرمایه‌گذاری، به خانوارها یارانه می‌دهد. یارانه پرداختی از محل فروش مستقیم نفت نیست بلکه از محل سود حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها است.

در کل برای اینکه وضعیت رفاه را در جامعه بهبود بخشیم، مهم‌ترین اصلاحاتی که باید در دستور کار قرار گیرد، کدام است؟

مهم‌ترین کار این است که ریسک سرمایه‌گذاری را پایین آوریم. ریسک سرمایه‌گذاری زمانی پایین می‌آید که ما به زنجیره تولید جهانی وارد شویم. زمانی به شما اجازه می‌دهند در این زنجیره وارد شوید که بتوانید روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای مختلف احیا کنید و آنها قبول کنند که شما کشوری کم‌ریسک هستید. به این ترتیب، گذشته از بحث تحریم‌ها با شما دادوستد خواهند کرد. این رویداد زمانی اتفاق می‌افتد که تحریم‌ها لغو شوند و شما بتوانید این اطمینان را برای کشورهای دیگر ایجاد کنید که با شما کار کنند. در دنیای امروز تولید نهایی یک محصول در یک کشور به تنهایی اتفاق نمی‌افتد. چند کشور که بتوانند بخش‌های مختلف محصول را از آن‌ها تر تولید کنند با یکدیگر همکاری کرده و در یک جا، قطعات مونتاژ و محصول نهایی فروخته می‌شود. بنابراین کشورها باید به شما اطمینان کنند که شما کالا را سر وقت تحویل می‌دهید و مبادلات بانکی به موقع انجام می‌شود. وقتی در سیستم بین‌الملل حذف شوید، نمی‌توانید انتظار داشته باشید که دادوستد بانکی اتفاق